# پیام شهر قزوین

هفته نامه اطلاع رسانی شهرداری قزوین

**صاحب امتیاز: شهرداری قزوین**
**مدیرمسئول: عادله مهرابی**
**سردبیر: مریم جواهران**
صفحه آرایی و گرافیک: محمد (مرتضی) ملاعلیا

چاپ: موسسه ایران چاپ
آدرس: قزوین، خیابان آیت اله کاشانی (باغ دبیر)، کوچه آزاد، پلاک۲، هفته نامه پیام شهر.
شماره تماس: ۳۳۲۳۱۲۴۱ نمابر: ۳۳۲۳۱۲۴۲
وب سایت: payameshahr.qazvin.ir پست الکترونیکی: payamshahr98@gmail.com


استفاده از مطالب و عکس های نشریه با ذکر منابع آزاد است.



چهارشنبه یکم بهمن ۱۳۹۹ | ۶ جمادی الثانی ۱۴۴۲ | شماره ۳۶۳


گفت و گو

گفت‌وگو با
دکتر مریم رجبی نویسنده؛

## ساکن خیابان بهشت، روایت اتفاقات پزشکی قانونی

**دکترمریم رجبی بیست سال است می‌نویسد در خلوت، بی‌هیاهو و متین، از محفل نویسندگی نشریه ولایت شروع کرده و موازی با حرفه‌اش پزشکی با نوشتن پیش آمده، شانه به شانه. حالا حرفه با علاقه درهم تنیده شده و شمایل تازه‌ای یافته است که گرچه در آثار بعضی از نویسندگان پزشک مسبوق به سابقه است؛ اما در نخستین اثر او «ساکن خیابان بهشت» چشم‌انداز تازه‌ای پیدا کرده است. او در این اثر فضاها و شخصیت‌هایی را از بین حوادثی برگزیده که دور و نزدیک در جامعه رخ می‌دهند و بین اخبار رسانه‌ها گم می‌شوند. تنها ادبیات است که با جان‌دادن دوباره به قربانیان خشونت و بی‌عدالتی فرصتی برای تامل به وجود می‌آورد.**

**● تو سال‌ها داستان کوتاه می‌نوشتی که فرم هنرمندانه‌تری دارد، چطور شد که اولین اثر چاپ شده‌ات، رمان است که قالب کاربردی تری در ادبیات محسوب می‌شود؟**

من سال‌ها درعرصه نگارش داستان کوتاه فعالیت داشتم و همه آثارم را که در روزنامه محلی منتشر شدند در این سبک نوشتم. اینکه چرا اولین کتابم به سبک رمان است خودخواسته نبود. من مثل هر نویسنده دیگری شروع به پرورش محتوا در ذهنم کرده و سپس کار نوشتن آن را آغاز کردم؛ ولی بعد از مدتی دریافتم که به دلیل تعدد شخصیت‌ها و فضای خلق شده و همچنین زمان نسبتا طولانی رخدادها، این اثر قابلیت نگارش در قالب رمان را دارد.

**● حرفهٔ تو پزشکی است آن هم در تخصص پزشکی قانونی که برای زنان فضای متفاوت‌تری را ایجاد می‌کند. آیا تمایلت برای بیان اتفاقاتی که در محل کارت با آن درگیر هستی، باعث شده آن‌ها وارد رمان «ساکن خیابان بهشت» شوند؟ و به نوعی خواستی ادای دینی به حرفه‌ات باشد؟**

قطعا فضای کاری من تاثیر مستقیم روی رمانم داشته و بسیاری از شخصیت‌های آن برگرفته از این فضا هستند و در کنار آن آسیب‌هایی که در حوزه زنان با آنها برخورد داشتم باعث شد زبان ادبیات را برای شرح ماوقع و واکاوی آسیب‌ها مناسب‌بدانم.

**● موقع نگارش رمان به چه مخاطبی فکر می‌کردی؟ جامعه هدفی را در نظر داشتی یا نه به سبک و سیاق بعضی نویسنده‌ها به مخاطب فکر نمی‌کردی؟ اصولا چه چالش‌هایی با نوشتن داشتی؟**

اتفاقاتی که در رمان و برای شخصیت اصلی رخ می‌دهد از این نظر که شبیه حوادث واقعی روزنامه‌هاست، ممکن است کمی برای خواننده عجیب جلوه کند؛ ولی از نقطه نظر اینکه من خود از نزدیک شاهد آنها بوده‌ام برایم ملموس بود و پیچیدگی نگارش این اثر آنجایی بود که بخواهم این حوادث را به طرز هنری به نگارش دربیاورم که برای خواننده باورپذیر شود. سعی کرده‌ام حوادث ناگوار و هیجان‌انگیزی که در رمان وجود دارند را در کنار روابط انسانی و اخلاقی موجود در کنار هم قرار داده تا به تعادل برسند.

جامعه هدف و مخاطب من در درجه اول عموم مردم بوده؛ ولی در درجه بعد که برایم از اهمیت بیشتری برخوردار است، زنانی هستند که به فضاهای اجتماعی و حرفه‌ای وارد شده و در این بین معضلات اجتماعی و خانوادگی و شغلی زندگی‌شان را تحت تاثیر قرار می‌دهد. خیلی از این زنان دچار سردرگمی و شکست می‌شوند و از اجتماع خود فاصله می‌گیرند؛ ولی خیلی از آنها هم قادر به حل مسائل خود شده و به تعادل می‌رسند.

**● یکی از ویژگی‌های این کار پرداخت به مسائل اجتماعی و استفاده از فضاهای اشنا در تهران معاصر است؛ یعنی اندک آشنایی مخاطب با مکان‌ها هم او را در فضایی ملموس قرار می‌دهد و اتفاقی که در رمان معاصر چندان مورد توجه نیست؛ در حالی که رمان اجتماعی با جایگاه واقعی، زنده‌تر می‌شود، این تمهید حساب‌شده بود؟**

زندگی در پایتخت و پزشک قانونی بودن این دو، خود به تنهایی انسان را وارد فضای غیر عادی، ملتهب و هیجان‌انگیز و گاهی دلسرد می‌کنند. من هدفم استفاده و بهره‌برداری از این فضا بود به طوریکه مکان‌های خاص و افراد خاص در خیلی از موارد خاستگاه این رمان قرار گرفتند.

گپ

گفت‌وگو با حامد کلجه‌ای فیلم‌ساز قزوینی؛

## مستند ماریان سند تصویری باغستان برای آینده

**● از ادبیات وارد دنیایی تصویر شدید، جادوی تصویر از جادوی کلمات و قصه جذاب‌تر بود؟**

شما من را با قصه‌گویی می‌شناسید؛ البته فعالیتم را با داستان‌نویسی شروع کردم از همان جلسات ولایت که استاد حسن لطفی، کلاس‌هایی داشتند. چه خوب که یادآوری کردید. با قصه‌نویسی شروع کردم؛ ولی وقتی با حوزه سینما آشنا شدم ابتدا با گذراندن کلاس‌های باشگاه رادیو و تلویزیونی جوان و بعد با گذراندن کلاس‌های سینمای جوان که باعث شد در بخش‌های مختلف سینما از جمله کارگردانی، صدابرداری، تصویربرداری تجربه‌اندوزی کنم. سبب شد انرژیم را در بخش داستان‌نویسی به سمت سینما روانه کنم. کار نویسندگی و پژوهش شاید تکمیل کننده کارم در عرصه قصه‌نویسی است. هنر سینما و ادبیات ارتباط تنگاتنگی با هم دارند و آثار شاخصی هم تولید شده که برگرفته از ادبیات است. نمی‌توان گفت جادوی کلمات و جادوی تصویر کدام جذاب‌تر است هر کدام در برهه ای از زمان وسیله‌ای هستند برای ارسال پیام و بیان دیدگاه‌های هنرمند، نویسنده و فیلمساز. در ۱۷ـ۱۸ سال اخیر هنر سینما برایم آنقدر جذابیت داشته که بتوانم در آن ماندگار شوم و فعالیت بکنم. اما در همین دوره کرونا که شرایط فیلمسازی وجود نداشت، بعد از سال‌ها نوشتم. شاید وقایع نگاری باشد شاید قصه باشد یا شاید تبدیل به رمان شود. به هر تقدیر کلمات با من هستند... جذبهٔ کلمات با من هستند گاهی در این ظرف می‌ریزم (ظرف ادبیات)، گاهی در آن ظرف (ظرف سینما).

**● سال‌هاست فیلم مستند می‌سازید ظاهرا حوزه مورد علاقه‌تان موضوعات اجتماعی- فرهنگی است؟ چرا عمده فعالیتتان را در این زمینه متمرکز کرده‌اید؟**

علاوه بر موضوعات اجتماعی- فرهنگی، موضوعات تاریخی و زیست- محیطی هم مورد علاقه‌ام است که سعی کردم از طریق آنها دغدغه‌هایم را مطرح کنم آثار بسته به دغدغه‌هایی که برای مستندساز به وجود می‌آید، شکل می‌گیرد. من تقریبا در تمام گونه‌ها کار کردم. مستند تاریخی «پارسیاد» در مورد تاریخچه ساز چنگ در ایران است. مستند پرتره «سرو عرشی» در خصوص سید رضا علوی که از شاعران خوب معاصر قزوینی است. تلاش کردم در بخش‌های گوناگون تجربه‌آموزی کنم. همان‌طور که یک کتاب در کتابخانه شما می‌ماند و بارها به آن رجوع می‌کنید، آثار مستند هم این ویژگی را دارد؛ یعنی مستندساز موضوعی را ثبت می‌کند که شاید یک دهه بعد اثری از آن وجود نداشته باشد یا کاملا دگرگون شده باشد. جامعه ما در حال‌گذار است. بافت شهری و اجتماعی متفاوت شده، روابط میان خانواده‌ها تغییر کرده؛ فرهنگ‌ها متفاوت شده اگر اینها ثبت نشود، چه بسا ۵۰ یا ۱۰۰ سال بعد موضوعاتی که امروز به آن می‌پردازیم وجود نداشته باشند. مثلا موضوع باغستان که درگیرش هستم و روی آن کار می‌کنم، یک موضوع اجتماعی، فرهنگی و زیست- محیطی است که امروز باید به آن پرداخته شود چه بسا فردا دیر باشد. پژوهش، کنجکاوی، دانستن و تلاش برای ایجاد آگاهی و پرسش‌گری و ایجاد سوال در ذهن مخاطبان ویژگی‌ها است که سینمای مستند را ارزشمند می‌کند و به گمان من ماندگار؛ چرا که ممکن است شما یک فیلم داستانی را ببینید؛ ولی برای بار دوم و سوم هرگز به آن رجوع نکنید، ولی به آثار مستند همیشه رجوع می‌شود و نسل‌های بعد نیز به آن رجوع خواهند کرد. برای مثال تصاویری که امروز از باغستان ثبت می‌کنیم چه بسا در آینده وجود نداشته باشد.

**● یکی از شاخص‌ترین کارهای شما، ساخت مستند در مورد باغستان قزوین است این رویداد از کجا ناشی می شود؟**

در طول ۶ یا ۷ سال اخیر عمده فعالیت‌های مستندسازی من در حوزه محیط زیست بوده است. مجموعه مستندی ساختم درباره وضعیت بحرانی آب در دشت قزوین با عنوان «سرزمین تشنه» به سفارش سازمان آب منطقه‌ای قزوین که تصویربرداری آن از ارتفاعات الموت تا دشت بویین‌زهرا را شامل می‌شد. بعد از آن مستندی کار کردم در خصوص فعالیت‌های تشکل زیست- محیطی «رفتگران طبیعت ایران» با عنوان «پیام‌آوران پاکی» که در این مستند ما با موضوع فرهنگ سازی نریختن زباله در طبیعت آشنا می شویم. مستندی ساختم در مورد اجرای طرح آزمایشی توقف سگ‌های بی سرپرست که جایزه بهترین کارگردانی مستند ششمین «جشنواره بین المللی شهر» را از آن خود کرد و در جشنواره «سینما حقیقت» تهران نیز حضور داشت. اما باغستان امری جداست. من زاده قزوین هستم و محل زندگی ما در خیابان سپه در نزدیکی باغستان بوده و از کودکی با باغستان آشنایی داشتم؛ ولی همیشه از دور؛ زمانی که بچه بودم در فصولی که باغستان محصول داشت از سر کنجکاوی و گاهی شیطنت برای چیدن پسته یا گردو به سمت باغستان می‌رفتیم و با صداهایی از داخل باغات مواجه می‌شدیم؛ آوای صوتی که خاص باغستان است و از درون کسانی را که بدون اجازه باغبانان وارد باغستان می‌شوند می‌تاراند. همیشه این صداها را از داخل باغها می‌شنیدم و از این رو هرگز جرات وارد شدن به این پهنهٔ گسترده باغی را که مالکین خصوصی دارد نداشتم. تا اینکه حدود ۱۵سال پیش دوستم آقای محمد باغبان‌آقایی مستندی را در مورد باغستان قزوین کار کرد با عنوان «سکوت غمگین باغستان» که تدوینش بر عهده من بود در آن زمان بیشتر با موضوع باغستان آشنا شدم. سه کار با آقای باغبان‌آقایی انجام دادم؛ ولی همچنان وارد باغستان نشده بودم تا اینکه در سال ۹۵ دریکی از برنامه های گلگشت وارد باغستان شدم تا مستندی برای انجمن زیست- محیطی توسعه حیات شهر بسازم. این گلگشت‌ها به مناسبت روز درختکاری با حضور مردم و فعالان محیط زیست و حتی برخی مسئولین برای تشکیل زنجیره انسانی یا امضاء طومار برای حمایت از باغستان انجام می‌شد. در یکی از پهنه‌های بسیار آباد باغستان برای نخستین بار ورود کردم، باغ‌ها را از نزدیک دیدم. آشنایی با گروه‌های زیست- محیطی باعث شد نسبت به باغستان کنجکاو شوم. تصویربرداری از باغستان شروع شد و ادامه پیدا کرد و مستندهایی کوتاه در خصوص فعالیت و دغدغه های گروه‌های زیست- محیطی ساخته شد. مستند باغستان برایم جدی‌تر شد؛ چراکه با این پهنه ۲۸۷۴ هکتاری که در سال ۹۳به ثبت میراث فرهنگی رسیده، بیشتر آشنا شدم و تصاویری زمینی و هوایی ثبت‌کردم. ۱۲ فروردین ماه ۹۸، سیلی ویرانگر بیشتر نواحی ایران را درگیر کرد؛ اما قزوین به پشتوانه باغستان کهنسال تا حدود زیادی از سیل در امان ماند گرچه میلیاردها تومان به باغدارها آسیب رسید که البته شاید هنوز کسی نمی داند و من این آسیب ها را ثبت کرده ام و در فیلمم منعکس خواهد شد. خوب شما می دانید و در تمام متون مکتوب ذکر شده است که باغستان در فصول پُر بارش سیلاب‌ها را در درون خودش نگه می‌دارد و تهدید سیلاب را تبدیل به فرصت زیستی می‌کند؛ و با این آب خروشان، باغ‌ها بسیاری در طول صدها سال سیراب می‌شوند. اما تا پیش از اینکه سیزدهم فروردین ۹۸ موفق شوم تصاویری از سیلاب گیرهای باغستان ثبت کنم، شاید از این ویژگی سیل بند بودن باغستان سند تصویری به این شکل وجود نداشت. انتشار تصاویر هوایی مدیریت سیلاب در شبکه های مجازی و شبکه های تلویزیونی انگار نورافکنی بود که باغستان قزوین را مجدد در معرض دید قرار داد و به روح خسته فعالان زیست- محیطی قزوین جانی دوباره داد تا بتوانند با انرژی بیشتری در برابر رشد لجام گسیختهٔ توسعه شهری که موجب نابودی بخش‌های زیادی از باغستان شده است، مقاومت کنند. دیده شدن آن ویدیو و بازخورد آن باعث شد فکر کنم وقت آن است که مستندهای جدی‌تری کار کنم و پژوهش‌های سال‌های پیش را وارد کردم و الان در حال تدوین پروژه باغستان هستم.

**● آیا باغستان را با نگاه میراث فرهنگی در مستندها مورد نظر قرار داده‌اید یا از منظر زیست- بومی؟**

ورود به باغستان باعث شد یکباره متوجه شوم باغستان عرصه عجیبی است که من هم مانند بسیاری از شهروندان با آن آشنا نبودم و این ناآگاهی به نظرم عمده دلیل تخریب باغستان طی دو دهه اخیر است. مستند «ماریان» به همین موضوع می‌پردازد. این مستند یک مجموعهٔ سه قسمتی و یک مستند بلند با موضوع باغستان را شامل می شود. حدود دو سال پژوهش آن طول کشیده و بیش از دو سال است که در مرحله تولید قرار دارد، البته پاندمی کرونا هم در طولانی شدن روند تولید تاثیر زیادی داشته است. این مستند پیشینه تاریخی، تغییرات صد سال اخیر و وضعیت فعلی باغستان قزوین را بررسی می کند. من از منظر تاریخی، فرهنگی، محیط زیستی و اقتصادی به باغستان پرداخته ام و تاثیر مخرب پروژه های شهری را بدون هر گونه داوری و قضاوت به تصویر کشیده ام. همین طور منظری از باغستان در طول چهار فصل را در فیلم شاهد خواهیم بود که به جرات می توانم بگویم تاکنون چنین چشم‌اندازهایی از باغستان ارائه نشده است. متاسفانه باید گفت باغداران در سالهای اخیر به دلایل گوناگون از جمله سرمازدگی و بالا رفتن هزینه های نگهداری باغها از امنیت شغلی کمی برخوردار هستند و بی‌توجهی مسئولان، و عدم حمایت از باغداران در تامین منابع آب و پرداخت بیمه خسارت باعث شده به ویژه نسل جدید گرایشی به باغداری نداشته باشند و در نتیجه شاهد رها شدن باغ‌های زیادی از جمله در لبه های شهری هستیم. در سالهای اخیر دریافته ام این باغستان با وسعت بی نظیرش اگرچه نمونه ای در جهان ندارد، و با خدمات اکولوژیک متعددش اعم از مدیریت سیلاب، آبخوان داری، تصفیه هوا، مهار بادهای مزاحم در شهر، در پایداری حیات ساکنان در قزوین نقش اساسی دارد و همینطور نقش مستقیم دارد در اقتصاد شهروندان.

**● به تازگی چند کار مستند در خصوص چهره‌های شاخص فرهنگی انجام دادید در این مورد هم توضیح دهید.**

برای پاسخ به این پرسش باید کمی به عقب بازگردم و به آشنایی‌ام با موسسهٔ انسان‌شناسی و فرهنگ به مدیریت دکتر ناصر فکوهی اشاره کنم. از حدود پنج سال پیش با مسئولیت مدیریت انتشارات دیداری و شنیداری موسسه همکاریم را شروع و پروژه‌های زیادی را در این موسسه طرح‌ریزی کردیم که یکی از آنها پروژه چهره‌های زمان است که تولید آن از یک سال پیش آغاز شده و بعد از وقفه ای به خاطر شیوع کرونا این روزها در شبکه‌های مجازی منتشر شده است و من به عنوان تهیه کننده در این مجموعه حضور دارم. چهره های زمان ویدئوهایی یک دقیقه‌ای است که به شاخص‌ترین شخصیت‌های فرهنگی معاصر و ایران مدرن می‌پردازد.

**حامد کلجه‌ای دانش آموختهٔ سینما است که تاکنون موفق به ساخت چندین فیلم داستانی از جمله: عصر یخی، رقص سایه‌ها،حکایت آن رود و مستندهای سرو عرشی، انتخابی از سرزمین پارس، پارسیاد، پناهگاه حامی، پیام آوران پاکی، مجموعه مستند سرزمین تشنه، مجموعه مستند زیبایی های شهر، حلقه عاشقان و... شده است. وی از سال ۱۳۸۵ نیز به صورت تخصصی به عنوان تدوینگر فعالیت داشته و تا کنون موفق به همکاری با کارگردانان و تهیه کنندگان مطرح استانی و کشوری شده است.**

**کلجه ای از سال ۱۳۹۱ با عنوان «پارسیاد فیلم» در عرصه تهیه کننده‌گی و مجری طرح با سازمانهای بین المللی، ملی و استانی همچون اسکان بشر سازمان ملل متحد، موزه ملی ایران، سازمان میراث فرهنگی، پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات، بنیاد ملی نخبگان، سازمان نظام مهندسی ساختمان استان قزوین و سازمان‌های زیباسازی و فرهنگی، اجتماعی و ورزشی شهرداری قزوین به صورت مستقیم همکاری داشته است.**

**حامد کلجه ای در سال ۱۳۹۱ برای مستند پارسیاد برنده تندیس جوان برگزیده کشوری بخش فیلم از جشنواره ملی حضرت علی اکبر(ع) (جوان برتر ایرانی) شده است.**

**فاطمه شریف نژاد**

شهر کتاب

## زنده میری
## بهاءالدین خرمشاهی

**نشر قطره/ چاپ اول ۱۳۸۶**
**۱۰۰۰ نسخه/ ۳۰۴ صفحه**

«زنده میری» مجموعه اشعار دکترخرمشاهی در ۶ فصل که در برگیرنده ۱۱۲ شعر اوست. گزینه شعرهای دهه چهل (۱۰ شعر) گزینه شعرهای دهه پنجاه و شصت(۷ شعر) گزینه اشعار دهه‌های شصت و هفتاد (۱۸شعر) گزینه شعرهای مذهبی (۱۳شعر) اخوانیات (دهه‌های گوناگون) (۴۰شعر) و گزینهٔ شعرهای طنز (۲۴شعر) محتویات این مجموعه کشکول مانند را در برگرفته است؛ تمام قالب‌های متنوع در کنار موضوعات جدی و شوخی، سوگ وکمدی در یک مجموعه فراهم شده است. مثنوی «زنده‌میری» شعر بلند از کودک اول تا دوم، شعر سپید بلندی که اصطلاحات گویش قزوینی در آن خودنمایی می کند تااخوانیات درباره هنرمندان معاصر همشهری و هم‌میهن از ویژگی‌های جالب این کتاب است. ضمن آن که عنوان پارادوکسیکال و متناقض کتاب نیز در نوع خود جالب توجه است. غزل، مثنوی، قصیده، دوبیتی، رباعی، از قالب‌های شعر کهن و شعر آزاد و سپید از فرم‌های شعر معاصر در این کتاب به ترتیب سال‌های سروده شدن کنار هم جمع آوری شده است. «بررسی ماهواره استیجاره ای زمین» شعر سپید بلندی است که خواندنی و قابل تامل است؛ همچنین قطعه حزن انگیز«برآستانه شاهزاده حسین» از قطعات قابل اعتنای این مجموعه محسوب می شود. عنوان متناقض و متضاد کتاب، گویای احوالات طنزآمیز این شاعر-مولف و ادیب نامور قزوینی است.

**منبع : راهنمای ادبیات معاصرقزوین/- موسسه فرهنگی هنری خانه کتاب به آفرید**

شهر سینما

## یادگار؛ فیلم‌های مستند میراث فرهنگی را حفظ می‌کند

جشنواره فیلم‌های مستند میراث فرهنگی یادگار برگزار می‌شود.

این جشنواره در بخش‌های مسابقه سینمای مستند ایران، میراث ماندگار،جایزه میراث فرهنگی قزوین(نشان مینودر) و میراث معنوی( میراث ناملموس) برگزار می‌شود.

آخرین مهلت ثبت‌نام و ارسال آثار ۳۱ فروردین ماه ۱۴۰۰ است. نتایج جشنواره ۱۵ اردیبهشت ماه اعلام و ۲۷ تا ۳۱ اردیبهشت ماه برگزار می‌شود.

علاقه‌مندان می توانند آثار خود را به نشانی قزوین: بلوار آزادگان(غیاث آباد) ـ اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان قزوین ارسال کنند.

این جشنواره با همکاری اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان قزوین، سازمان امور سینمایی و سمعی و بصری و مرکز گسترش سینمای مستند و تجربی وزارت میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری، شبکه مستند سیما و سازمان برنامه و بودجه استان قزوین در حوزه میراث فرهنگی برگزار می‌شود.

باران رحمت

**امام صادق علیه السلام:چه چیز مانع می شود که هرگاه بر یکی از شما غم و اندوه دنیایی رسید، وضو بگیرد و به سجده گاه خود رود و دو رکعت نماز گزارد و در آن دعا کند؟ مگر نشنیده ای که خداوند می فرماید«از صبر و نماز مدد بگیرید»؟**

**احکام اگر مکان نماز گزار پاک نباشد ولی محل سجده پاک باشد، آیا نماز صحیح است؟**

**اگر نجاست مکان نمازگزار به لباس یا بدن وی سرایت نکند و محل سجده هم پاک باشد، نماز در آن مکان اشکال ندارد.**

گذر

## پیغمبریه،گراند هتل وسینماایران در رمان امروز قزوینی ها

...به سمت خیابابان پیغمبریه راه افتادم. یاد کاروانسراهایی افتادم که کنار شهربانی و در امتداد خیابان بود و با آقام برای مدرسه رفتن از آنجا رد می‌شدم. احساس گرسنگی و ضعف می کردم.

خورشید در حال غروب بود. جلوی سینما ایران ایستادم .از قنادی بوی شیرمال و شیرینی تازه می‌آمد. از شدت ضعف خواستم بروم و مقداری شیرمال بخرم. اما خودم را مقصر می‌دانستم و با فشاری که به خودم وارد می کردم می‌خواستم تنبیه شوم؛ به خاطر همین نخواستم چیزی بخورم.

جلوی سینما ایران و گراندهتل تعدادی از مردم ایستاده بودند. بغضی گلویم را فشار داد. آیا برادرم داخل سینما بود؟ اما فکرکردن به آن بی‌مورد بود و لحظه‌ای فکر کردم که اگر نیروی فکر من در طبیعت دنبال او می گردد؛ حضور برادرم درسینما بی‌معنی است. رد شدم و به کنار پیغمبریه رسیدم که روز اول ماه، مردم در آنجا زیارت می کردند. آقام با وجود اینکه سواد درست و حسابی نداشت؛ ولی قزوین را خوب می‌شناخت. در مورد پیغمبریه می گفت که چهار پیغمبر بودند که از اورشلیم مژده تولد حضرت عیسی مسیح را با خود به شرق می‌بردند. پیرمردی، لقمه‌ای نذری از نان سنگک و خرما، به سمتم تعارف کرد. گفتم: خدا قبول کند...

**نوزاد/ هفتادساله/-مجید رحمانی/- انتشارات مینودر/-چاپ اول/ زمستان ۱۳۹۴/-صفحات ۲۱۳و۲۱۴**

## جشنواره ادبی محراب عاشقی برگزار می‌شود

سومین جشنواره ادبی «محراب عاشقی» با رویکرد تولید محتوا در فضای مجازی با موضوع نماز و نیایش برگزار می‌شود.

علاقه‌مندان می‌توانند با سرایش شعرهای نیمایی، کلاسیک و سپید در این جشنواره شرکت کنند. همچنین در بخش داستان هر نویسنده می‌تواند با سه اثر در این جشنواره حضور داشته باشد.

متقاضیان شرکت در جشنواره باید کاربرگ ثبت‌نام را در سایت ghazvin.farhang.gov.ir اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان قزوین تکمیل کرده و اثر خود (شعر یا داستان) را در سامانه بارگذاری کنند.

آثار ارسالی نباید پیش از این در هیچ کتاب و یا رسانه‌ای چاپ شده باشد.

آخرین مهلت ثبت نام و ارسال آثار ۳۰ بهمن ماه ۱۳۹۹ است و معرفی برگزیدگان در اسفندماه ۱۳۹۹ صورت می گیرد.

اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان قزوین با همکاری معاونت امور فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، انجمن ادبی استان قزوین و ستاد اقامه نماز استان قزوین برگزار کننده این جشنواره هستند.